

## کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران

تلفن ۰۰۴۹۱۶۳۳۴۵۸۰۰۷

E\_mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدالگیریان

تلفن ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

E\_mail:

abdolgolparian@yahoo.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

منصور حکمت

www.m-hekmat.com

چهارشنبه ها منتشر میشود

۱۶ مرداد ۱۳۸۷، ۶ اوت ۲۰۰۸

mansoorfarzad@yahoo.se

سر دبیر: منصور فرزاد



اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.

# ایسکرا ۴۲۶

## اعدام ۲۹ نفر توسط ارادل و اوباشان جمهوری اسلامی

سارا از ایران

مواد مخدر معرفی میکرد و اظهار میداشت که باید وجود این افراد را از روی کره زمین پاک کرد. حتی مصاحبه ای با دادستان کل تهران هم در مورد اعدامها پخش شد که این عالیجناب خون آشام از دستگیری و اعدام های بیشتری صحبت میکرد که در دستور کارشان قرار دارد.

مردم داشتند از اعدامهای رژیم حرف میزدند. در يك روز ۲۹ نفر در ملا عام اعدام شدند باورم نمیشد. هرچند که ناباوری در برابر جنایتهای رژیم اسلامی بی معنی است. اخبار ساعت ۲۱ شبکه يك ایران را نگاه میکردم. گوینده اخبار همزمان با پخش تصویر چند نفر از آن ۲۹ نفری که اعدام شده بودند آنها را ارادل و اوباش و محارب با خدا و قاچاقچیان

صفحه ۲

## راهپیمایی مادر فرزاد کمانگر با همراهی مردم



کامیاران نمود.

در طول مسیر، جمعیت راهپیمایان با الحاق تدریجی مردم به چند صد نفر جمعیت افزایش پیدا نمود، راهپیمایان با حمل تصویر جوان محبوب شهر خود و همچنین در دست داشتن دسته های گل اقدام به طی مسافت صفحه ۲

مادر فرزاد کمانگر معلم محکوم به اعدام، صبح روز ۱۱ مرداد در حرکتی نمادین، اقدام به راهپیمایی از منزل شخصی خود به قصد مدرسه محل تدریس سابق فرزاد کمانگر واقع در روستای ماراب در ۱۰ کیلومتری شهر

## حزب و سازماندهی

### بخش دوم: حزب و اتحاد مردم

فاتح بهرامی

صفحه ۳

## سرکوبگران رژیم تعدادی از محلهای کار مردم در فیض آباد سنندج را تخریب کردند

همه مردم پاسخ گیرند. کمیته کردستان حزب از مردم شهر سنندج می خواهد که علیه این رفتار وحشیانه دست به اعتراض بزنند. موقع هجوم نیروهای سرکوبگر دست به تجمع بزنند و از مردمی که مورد حمله قرار میگیرند به هر شکل که میتوانند دفاع کنند.

کمیته کردستان

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۴ مرداد ۱۳۸۷، ۴ اوت ۲۰۰۸

ساعت ۲ بعد از ظهر ادامه داشت. اما سرانجام مزدوران جمهوری اسلامی مغازه ها را به بهانه کهنه بودن و دلایل واهی دیگر، کاملاً تخریب کردند. در جریان اعتراض مردم دو نفر توسط نیروهای سرکوبگر دستگیر شدند که با مقاومت و تعرض مردم معترض در محل آزاد شدند.

اعمال جنایتکارانه جمهوری اسلامی باید با تندترین اعتراض

بنا به خبری که به کمیته کردستان حزب رسیده است ساعت دوازده و نیم ظهر امروز دوشنبه ۱۴ مردادماه تعدادی از مغازه های مکانیکی و کارواش واقع در ترمینال فیض آباد، توسط نیروی انتظامی رژیم و با همکاری شهرداری سنندج تخریب شد. مردم و کسانی که در این محل به کار اشتغال داشتند، برای جلوگیری از تخریب این محل با نیروی انتظامی درگیر شدند که این درگیری تا

## کمپین وسیع اسپانسور گیری برای تامین مخارج "کانال جدید" به صف حامیان تریبون اعتراض مردم بپیوندید!

صفحه ۶

## تعطیلی نساجی کردستان و اخراج دسته جمعی کارگران

صفحه ۵

## کار و زندگی زنان کارگر در کوره پزخانه ها چند خبر از اعتراضات کارگری

صفحه ۲

صفحه ۴

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## ۱۴۰۱/۴ اعدام ۲۹ نفر توسط اراذل ...

واقعاً نفرت آور است که با انگ اراذل و اوباش و قاچاقچی و ... حق حیات و نفس کشیدن را از بچه های مردم می گیرند و با کمال بیشرمی و با حمایت قانون مزخرفشان در مقابل چشم هزاران نفر نسخه قتل را برای جگرگوشه های مردم می پیچند. جمهوری اسلامی و دارو دسته اش اراذل و اوباش هستند که خودشان یکدم از تعرض، قتل و آدم

کشی، دزدی و چپاول، آزار و شکنجه مردم پس نمی کشند و هر روزه با فرم و نوعی تازه از جنایات علیه مردم، طرحهایی ضد انسانی شان را اجرا میکنند. امروز برای همه مردم روشن شده است که تمامی این جنایات و قتل عمد و اعدام و سنگسار و ... همگی نشانه استیصال و در ماندگی جمهوری اسلامی در برابر شدت خشم و نفرت

مردمی است که از دست هر چی آخوند و اسلام و عبا و عمامه است جانشان به لب رسیده و در طول این سه دهه آفتذر از دست جمهوری اسلامی کشیده اند که دیگر توهمی به اسلام و حکومت اسلامی برای کسی باقی نمانده است. توحش و بربریت امروز رژیم دوران اوایل انقلاب و سرکوبهای آن زمان را تداعی می کند با این تفاوت که آنموقع مردم نسبت به حکومت اسلام و روحانیون تا حدی توهم

داشتند ولی امروز این توهم وجود ندارد و از سوی دیگر تمامی جنایات آندوره برای تثبیت حاکمیت سیاه و قرون وسطایی این جلادان بود. ما این اعدامها و هرگونه تعرض به زندگی میلیونها نفر در ایران برای بقا حکومت است. اکنون خشم و تنفر عمیق مردم همانند مواد منفجره ای است که تنها یک جرقه کافی است تا خشم و نفرت تابنبار شده این سی سال فوران کند و کل دم و دستگاه حکومت اسلامی

را در هم پیچد و بزیر بکشد. جمهوری اسلامی با پخش این برنامه ها و این اعدامها می خواهد فضای رعب و وحشت ایجاد کند غافل از اینکه نفرت و خشم مردم را بیشتر کرده و هر روز بیشتر همه را به نتیجه قطعی رفتنی بودن حکومت سیاه اسلامی می رساند و آنها را برای تحقق سرنگونی این حکومت ضد بشری مصمم تر می کند.

## ادامه راهپیمایی مادر فرزاد کمانگر

نمودند که متأسفانه علی‌رغم مسالمت آمیز و نمادین بودن این حرکت، جمعیت مذکور در خارج شهر به محاصره صدها تن از نیروهای انتظامی و لباس شخصی در آمدند. نیروهای نظامی با محاصره جمعیت و ضبط تمامی دستگاههای تلفن همراه افراد حاضر در محل، فیل‌مرداری از شرکت کنندگان و بستن جاده، جمعیت



مذکور را در دسته های چند نفری و ادار به برگشت و انصراف از طی مسیر نمودند.

نیروهای انتظامی در این برخورد با اذعان به نگرانی و تأسف از وضعیت فرزاد کمانگر با عنوان

"مامور و معذور" از جمعیت درخواست نمود با اتومبیل های موجود در محل به شهر برگردند و حتی از برگشت پیاده نیز خودداری نمایند که در این هنگام مادر فرزاد کمانگر و دانش آموزان وی بر اساس ماهیت حرکت و جلوگیری از هرگونه پیش آمدی با تقدیم گلها به ماموران نظامی راهپیمایی را پایان یافته اعلام نمود و جمعیت مذکور بدون بروز تنش به شهر بازگشتند. مادر فرزاد کمانگر هدف از



مردمی از وی در صورت نیاز با پای پیاده به سوی تهران به راه خواهد افتاد. شایان ذکر است دهها دستگاه تلفن همراه بدلیل نگرانی از تصویربرداری حضور

راهپیمایی روز جاری را یادآوری تحمل سختی هایی که فرزاد برای آموزش کودکان این مرز و بوم تحمل می نمود عنوان داشت وی همچنین عنوان داشت "برای اثبات بی گناهی فرزاد و نشان دادن حمایتهای

## کار و زندگی زنان کارگر در کوره پزخانه ها

## سارا از ایران

اینجا ایران است. مکان زجر و مشقت برای بیش از ۹۰ درصد از مردمی است که زیر خط فقر زندگی می کنند و تمام زندگی و امکانات رفاهی آنها در غارت و چپاول سران حاکم است که حتی یک لحظه وضعیت این مردم را از دید نامبارک نمی گذرانند. بحران شدید اقتصادی و تحریمها که در پی آن گرانی سرسام آور و افزایش بیکاری و ... را بهمراه داشته امسال بیشتر از سالهای قبل خانواده ها را به کوره های آجرپزی کشاند. کوره های آجرپزی که حتی صحبت از شرایط سخت و دشوار زندگی و کار در آنجا دردناک است چه برسد به لمس آن و بودن در آن شرایط!

امروز به خانواده ای برخورد می کنم برای کار به کوره آجرپزی رفته بودند. از زن خانواده که زن جوان و حدوداً ۲۴ ساله و مادر دو فرزند سه ساله و شش ماهه بود از زندگی در آن شرایط سخت جويا شدم. اینکه چگونه با وجود دو بچه کوچک در آن گرمای طاقت فرسا و کارسخت

روزگار گذرانیده اند؟ مادر بچه ها با چهره ای لاغر و استخوانی که در اثر سختی و رنج کار بیشتر به زنی ۴۰ ساله شباهت داشت تا ۲۴ ساله، داغش تازه شد و شروع به تعریف از آن زندگی که بیشتر به مرگی تدریجی شباهت داشت کرد. در حالیکه بچه ۶ ماهه اش را به سینه میفشرد می گفت

"وقتی صبح ها ساعت ۴ مجبور میشدم دوتا بچه کوچکم را تنها بگذارم و خودم در فاصله ای دور از اتاقکی که ۱۲ متر بود و بعنوان خانه در آن زندگی میکردیم به کار سخت خست زنی بپردازم برایم دردناک بود. خودم را فراموش کرده بودم و سختی کار من بخاطر خودم نبود لچون فکرم فقط پیش بچه هایم بود. وقتی صدای شدت گریه بچه ام را میشنیدم زجرآورترین لحظه ام بود و هنگامی که بچه سه ساله ام بطرفم می دوید و از گریه بچه شش ماهه ام میگفت که مادر بیسا! توانم را از دست میدادم. میدانستم که بچه ها یم گرسنه اند تنهائیند و من مجبور

بودم بخاطر کار از آنها بگذرم. هر بار صدای گریه بچه ام ذره ذره وجودم را آب میکرد حتی وقتی که به خانه می رفتم بخاطر اینکه تمام تنم گلی و کثیف بود نمی توانستم بچه ام را شیر بدهم و گاهی هم با همین تن گلی و کثیف مجبور میشدم که شیرش دهم.

مادر بچه ادامه داد: با وجود شرایط سخت کار و کارکردن از ساعت ۴ صبح تا ۹ شب کارفرما در برابر هر ۱۰۰۰۰ آجر تنها ۲۰۰۰ تومان به ما میداد که با این وضعیت گرانی کفاف مصرف روزانه مان را هم نمی کرد. از شدت خستگی و کار زیاد فقط می توانستم هفته ای یکبار بچه هایم را حمام کنم در حالیکه با آن گرمای زیاد شب و روز در میان گل و ماسه بودیم. حتی داخل خانه که من فرصت تمیز کردن آن را پیدا نمی کردم همیشه پر از ماسه و گل بود. خودم و همسرم که هیچ بچه هایم داشتند از دست میرفتند. کار سخت، تغذیه نامناسب و وضعیت بهداشت ناچور آنجا بچه هایم را

مريض کرده بود و خودم را هم که می بینی چه وضعی دارم فقط به زور و به عشق بچه هایم سرپا هستم. تنها دلیلی که بخاطرش خودم را زنده نگه داشته ام بچه هایم هستند، لعنت به این زندگی و این حکومت فاسد که این شرایط را به ما تحمیل کرده است. البته این فقط وضع ما نبود وضعیت زندگی همه خانواده هایی که در همسایگی ما در کوره پزخانه بودند دست کمی از ما نداشتند. در همسایگی ما پیرمردی هفتادساله بود که با دو دخترش کار میکرد. پیرمرد دوبار سخته کرده بود و به سختی دست و پایش را حرکت میداد با این وضع در کنار دخترهایش بود و سعی میکرد کار کند که بیشتر وقتها از روی خاکها به پایین غلت میخورد و می افتاد. دو دخترش هم که سخت کار میکردند و لی از دست مزاحمت های کارفرما در امان نبودند."

این گوشه بسیار کوچکی بود از زندگی افرادی که در کوره پزخانه ها کار می کنند که البته گفتن از این واقعیت های تلخ با دیدن و لمس آن بسیار متفاوت است. وضع

فلاکت بار زندگی این خانواده آئینه زندگی بسیاری از خانواده ها در ایران است که زیر سلطه حاکمین ارتجاع اسلامی سرمایه زندگی که نه!!! روزگار زجر آور را سپری می کنند. اما بالاخره این رنجها و مصیبتها را باید پایانی باشد و تنها راه پایان دادن به این مصیبتها مبارزه ما علیه این رژیم و متحد بودن و متشکل شدن است. برای رژیم که از انسانیت بویی نبرده است و فقط راه سرکوب و مقابله و زجر و کشتار مردم را میدانند راهی بجز سرنگونی وجود ندارد. سرنگونی جمهوری اسلامی تنها قدم اول برای رسیدن به آزادی و برابری یک جامعه خوشبخت و مرفه است. به امید یک دنیای بهتر

**یک دنیای بهتر**  
**برنامه حزب را**  
**بخوانید**  
**و در سطح وسیع**  
**توزیع کنید**

## حزب و سازماندهی

### بخش دوم: حزب و اتحاد مردم

#### فاتح بهرامی

در بخش اول این نوشته به نکاتی درباره ضرورت و نقش حزب برای رهائی جامعه اشاره کردم. اساس بحث بر این نکته متمرکز بود که خلاصی جامعه ایران از شر حکومت اسلامی و از مصائب عدیده ای که گریبانگر مردم را گرفته است به حزب کمونیست کارگری و نقش آن گره خورده است. تاکید شد که متحد شدن مردم حول حزب و در ابعاد میلیونی، آن ضرورت حیاتی و فاکتور اساسی برای تغییر وضع موجود و رهائی از جهنمی است که رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی درست کرده است. و این یک امر فوری و عاجل است زیرا از طرفی رمقی برای مردم تحت حاکمیت رژیم اسلامی نمانده و بیشتر طول کشیدن این وضعیت بمعنی قربانی شدن هرچه بیشتر انسانهاست، و از طرف دیگر، در شرایط بحرانی موجود و صف کشیدن و در کمین نشستن انواع جریانان دست راستی که آلترناتیوهای آنها برای جامعه و امر آزادی و برابری خطرناک است، باید آلترناتیو انسانیت برای جامعه یعنی برقراری یک جمهوری سوسیالیستی هرچه سریعتر متحقق شود و این تماما در گرو اینست که صف کارگران و مردم شریف، صف انسانیت، بدور حزب کمونیست کارگری حلقه بزند و متحد بشود. در این رابطه مسائل مختلفی و بخشا موانعی وجود دارند که باید به آنها پرداخت. از وجود درکهای گوناگون درباره حزب و حزبیت تا معنی اتحاد، از ارتباط سنتهای سازمانی با اهداف یک حزب سیاسی تا رابطه حزب و جنبشهای اجتماعی و مختلف، از سازماندهی اجتماعی و نقش حزب تا مسائل مربوط به سازماندهی حزبی، مسائل مربوط به کادر و نقش کادر، امنیت، ارتباط گیری، تبلیغ و ترویج و خلاصه مجموعه متنوعی از مسائل مهم

وجود دارند که به بحث سازماندهی مربوطند و بدرجات مختلف بر وضعیت موجود اثر داشته اند. در این نوشته و ادامه آن به جنبه های مربوط به این بحث اشاره میکنم.

#### رابطه حزب و مردم

یکی از موضوعات مهم در شرایط امروز ایران گسترش و ارتقای رابطه حزب و مردم در سطح اجتماعی است. یک وجه مثبت این رابطه در شرایط فعلی اینست که حزب از طریق کانال جدید به خانه های مردم در چهار گوشه ایران راه یافته است. محبوبیت حزب در میان مردم وسیع است و حزب برای طیف وسیعی از مردم شریف در سراسر ایران به یک نقطه امید بدل شده است. حجم

تماسهایی که فقط از طریق پیامگیر تلویزیون و در برنامه های زنده "کانال جدید" صورت میگیرد حاکی از اینست که هر هفته هزاران نفر به این طیف وسیع اضافه میشوند. درخواستها و سوالات مردم از حزب که به اشکال مختلفی بیان میشود باین واقعیت تاکید میکند که طیف وسیعی از این مردم بجان آمده حزب را بعنوان تنها راه خلاصی از شر این حکومت درک کرده اند. این نفوذ و اعتبار و محبوبیت حزب مرتب گسترده تر میشود و باید تا حدی که هر انسان آزادیخواه و معترض به وضع موجود را در بر بگیرد گسترش یابد. اما این سطح از رابطه حزب و مردم کافی نیست و در واقع سازمانیابی این طیف گسترده در حزب و پیوستن آنها به حزب هنوز صورت نگرفته است و این همان مساله و معضلی است که باید به آن فایق آمد. عبارت دیگر این شکل از رابطه حزب و مردم که در شرایط کنونی خود را بصورت دوست داشتن حزب که حرف دل مردم را میزند و از طرق مختلف با آن تماس گرفته میشود باید به سطح پیوستن به

حزب ارتقا پیدا کند، حزب باید به ظرف اتحاد تمام انسانهای شریف و آزادیخواه بدل بشود. اهمیت این موضوع اساسا بخاطر اهمیت متحقق شدن خواست و اراده مردم، یعنی سرنگونی جمهوری اسلامی و رسیدن به آزادی و برابری و رفاه و انسانیت است. در اینجا قبل از اینکه به نکاتی درباره اهمیت این ارتقای رابطه حزب و مردم و نقد برخی از گرایشها و موانع بازدارنده بپردازم بطور خلاصه به نکاتی درباره خود حزب اشاره میکنم.

#### حزب کمونیست کارگری

##### چگونه حزبی است؟

این حزب که امروز در جامعه نفوذ دارد و در دسترس است و مردم در تماسهای خود سمپاتی و اعتمادشان را اعلام میکنند، یک تاریخ عظیم ۲۹ ساله را پشت سر خود دارد. از ۲۹ سال پیش که منصور حکمت و حمید تقوایی با نوشتن جزوه "انقلاب ایران و نقش پرولتاریا (خطوط عمده)" وارد انقلاب ۵۷ شدند، سنگ بنای یک کمونیسم متفاوت گذاشته شد. در واقع به یمن انقلاب ۵۷ و بمیدان آمدن طبقه کارگر مارکسیسم اهمیت یافت و این امکان داد که نقد مارکسیستی به چه غیر کارگری نه تنها پیروز بشود بلکه تاثیر جریان ما روی بقایای بخشی از آن چه قابل مشاهده بشود. کمونیسم آزمان همه چیز بود بجز خود کمونیسم، و از دفاع از بورژوازی خودی تا جا باز کردن برای مذهب توده ها، از پرچم جنبشهای ناسیونالیستی و قومی تا وسیله ای برای دفاع از فرهنگ شرقی و طرفداری از مردسالاری و ضدیت با مدرنیسم غربی، و کلا پرچم جنبشهای بورژوازی و ملی اسلامی را در بر میگرفت. کمونیسم و سوسیالیسم آندوره اساسش انسان نبود و امرش فعالیت برای آزادی و برابری انسانها نبود. بهمین جهت احزاب چپ آندوره یکی که ضد آمریکائی گری خمینی را با ضد امپریالیسم خود منطبق میدید در خدمت رژیم اسلامی در آمد، دیگری در معیت بنی صدر بود، یکی چریک بود، یکی "مولا علی" الگوی سوسیالیسمش بود، دیگری

آن تداعی بشود و بهمین دلیل نیز حزب کمونیست کارگری هر روز محبوب و محبوبتر میشود و نقطه اتکا و امید رنجیدگان میشود.

اما این تاریخ گذشته و حال باید به آینده وصل بشود، یعنی هدف این حزب باید متحقق بشود، یعنی جامعه باید رها بشود. رهبری این تحول بزرگ در تاریخ ایران، یعنی رهبری پیروز کردن انقلاب کارگری بعهد حزب کمونیست کارگری ایران است. تحقق اهداف حزب مستقیما به زندگی و سرنوشت انسانهایی که از این حکومت و نظام ضد انسانی به ستوه آمده اند مربوط است. بنابراین باید به این حزب پیوست چون این حزب کلید رهائی و پیروزی بشریت است.

#### حزب و اتحاد مردم

اشاره بسیار مختصر و البته ناقص فوق درباره اینکه حزب کمونیست کارگری چگونه حزبی است، باین دلیل بود که زمینه توجه مردم به حزب و محبوبیت روز افزون آنرا اشاره کنم که همان انطباق اهداف و نظرات و پراتیک حزب با خواست و امیال توده میلیونی مردم کارگر و زحمتکش جامعه است. و اینجا دوباره به مساله ناکافی بودن سطح موجود رابطه حزب و مردم میرسم و طرح این سوال که چرا هنوز در ابعاد وسیع و اجتماعی امر پیوستن به حزب صورت نگرفته است؟ قبلا در بخش اول این نوشته به فاکتورهای تاریخی ای مانند اختناق و ضعف سنت تحزب در ایران اشاره کردم اما به این نکته هم تاکید شد که این روند در حال تغییر است. در اینجا به نکات دیگری میپردازم که به امر پیوستن به حزب مربوط هستند.

#### ۱- منشاء قدرت مردم:

در جامعه ای که اساس آن بر اختناق سیاسی و ممنوعیت فعالیت احزاب و ممنوعیت اعتصاب و تجمع باشد طبیعی است که پراکندگی مردم و حتی تفرقه در میان بخشی از آنان توسط حکومت و دستگاه سرکوب آن تحمیل بشود. اما این روند هم تغییر کرده است و با شتاب بیشتری در حال تغییرات اساسی است. دلیل

## حزب و سازماندهی

آنهم وجود يك حرکت عظیم و در حال جریان در اعماق جامعه برای نفی و سرنگونی جمهوری اسلامی است. از طرف دیگر نقش وسایل ارتباطی و خبررسانی و تکنولوژی اطلاعاتی توان و امکان جمهوری اسلامی برای قطع رابطه مردم با همدیگر و با نهادها و سازمانها چه در داخل و چه با خارج ایران را از بین برده است. این عوامل زمینه فائق آمدن به پراکندگی میان بخشهای مختلف مردم را بطور جدی فراهم کرده است. هم دوره بی خبر نگاه داشتن مردم از اوضاع و هم دوره "پیک" بسر آمده است. اعتراضات روزمره، چه اعتراض کارگری که مدام در حال جریان است و چه اعتراضات اقشار دیگر جامعه در اشکال اعتصاب و تظاهرات و تجمع و طومار نوشتن و غیره، همگی وجوهی از حرکتهای متحد کارگران و مردم معترض را، هرچند در ابعاد محدود و مقطعی، بنمایش میگذارد. علاوه بر اینها شاهد تشکیل شدن برخی نهادها و کمیته ها و ان-جی-او های مختلفی هستیم که هر کدام جمعهای مختلفی از فعالین را گرد هم آورده است که، مستقل از نقاط ضعف و قوت و یا سیاست ناظر بر حرکت آنها، جلوه هائی از متشکل شدن را نشان میدهد. و اینها مجموعاً تمایل و توجه بسمت متشکل شدن را تاکید میکند. بنابراین پراکندگی امروز مردم را دیگر نمیتوان با فاکتور اختناق و سرکوب توضیح داد. سرکوب و ارعاب جمهوری اسلامی که دائماً در جریان است بهیچوجه نتوانسته است جلو ادامه اعتراض مردم را بگیرد و مردم را به خانه بفرستد و نمیتواند. امروز دوره پیشروی مردم و عقب نشینی حکومت است. از اینرو راه حل فائق آمدن به پراکندگی و تفرقه در دست خود مردم است،

نجات زندگی مردم اشاره کنم.

### ۲- متشکل شدن در حزب و حول انسانیت:

برای اینکه بحث درباره حزب بعنوان کلید پیروزی مردم و بعنوان تنها پاسخ واقعی به فائق آمدن بر پراکندگی و متحد شدن را مستدل کنم، لازم است دو نکته مربوط بهم، یکی موضوعی که باید حول آن متحد شد و دیگری ظرفی که در آن متحد و متشکل بشویم، را توضیح بدهم.

هر اعتراضی که در چهارگوشه ایران هر روز بر سر احقاق حقوق مردم پیا می شود، و نیز تلقی هائی که انسانهای شریف آن جامعه از يك زندگی بهتر برای خود و خانواده و هموعان خود دارند، همگی در دو محور با هم اشتراك دارند. محور اول اینست که جمهوری اسلامی سد و مانعی در مقابل مردم است و باید از سر راه برداشته شود، زیرا این جمهوری اسلامی است که حقوق انسانی مردم را در ابعاد مختلف لگدمال کرده است و این وجود رژیم اسلامی و نظام موجود است که مانع دستیابی مردم به يك زندگی بهتر است. و بهمین دلیل است که خواست سرنگونی جمهوری اسلامی به خواست مشترک اکثریت عظیم جامعه تبدیل شده است.

محور مشترک دوم انسانیت است. انسانیت یعنی احترام به انسان و برخوردار بودن از حقوق انسانی و کنار رفتن تبعیض طبقاتی و هر نوع تبعیضی که بر اساس جنسیت و ملیت و نژاد و رنگ پوست و اعتقادات و سن و غیره به آدمها روا شده و میشود. مستقل از اینکه از کدام سو به انسانیت انسانها حمله شده، انسانیت خواست و مطالبه مشترک همه مردم است زیرا انسانیت در آن جامعه از هر سو لگدمال شده است. بنابراین انسانیت آن پرچم و چتر فراگیری است که بجز هیات حاکمه و سرکوبگران و استثمارگران همه مردم آزادیخواه و

حق طلب میتوانند حول آن متحد و متشکل شوند. حتی بفرض محال اگر محدود نگر هم باشیم و فقط به درد خود فکر کنیم باز هم انسانیت میتواند اکثریت عظیم جامعه را در کنار هم قرار دهد و متحد کند زیرا آدم بی دردی را نمیتوان در میان اکثریت انسانهای شرافتمند جامعه پیدا کرد. فقط فقر و بیکاری و زن بودن ۹۰ درصد جامعه را شامل میشود. اشتراك دو محور فوق در حرکت و خواست جامعه یعنی متحد بودن اکثریت جامعه با شعار "مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد انسانیت". در واقع این شعار حرف دل بیش از ۹۰ درصد جامعه است. این یعنی بیش از ۹۰ درصد مردم علیه جمهوری اسلامی و حول انسانیت متحد هستند و فقط به آن مادیت بدهند و متشکل شوند و به ظرف مناسب این اتحاد ملحق بشوند. اینجاست که حزب این جمعیت بزرگ را به ملحق شدن و پیوستن فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ظرف واقعی و اساسی مادیت یافتن این اتحاد است. درباره حزب بالاتر و در قسمت اول این نوشته توضیحاتی داده ام. حزب هدفش بزیر کشیدن جمهوری اسلامی و برقراری جامعه ای انسانی است که آزادی و برابری و رفاه تمام جامعه خصوصیت اساسی آن است. حزب ظرف اتحاد مردم رنجیده است زیرا انسانیت پرچم و خواست مشترک این مردم است. و بالاخره حزب ظرف اتحاد است زیرا حزب ستاد رهبری و لولای اتصال مبارزات طبقه کارگر و کل مبارزاتی است که برای آزادی و علیه تبعیضات و بیحقوقی اقشار ستمدیده جامعه در جریان است. لذا پیوستن به حزب و متشکل شدن در حزب برای رهائی مردم و برگرداندن انسانیت به جامعه باید به اولویت و امر فوری هر انسان شریفی تبدیل بشود. و دلیل اینکه تاکنون سازمانیابی در حزب و ارتقای رابطه حزب و مردم تا سطح انتخاب

اجتماعی حزب صورت نگرفته، بخاطر اینست که در کنار آن شرایط تاریخی و ضعف تحزب، مدت زیادی از قابل دسترس شدن حزب در ابعاد اجتماعی نمیگذرد و همین باعث شده که جایگاه حزب بعنوان ظرف اتحاد و تشکل توده میلیونی مردم کمرنگ بماند. امروز اما هم حزب معرفی و شناخته شده است و هم امکان دسترسی بیشتر فراهم است و زمان پیوستن انسانهای شریف و آزادیخواه به حزیشان فرا رسیده است.

اینجا به يك سوال دوستداران کانال جدید درباره رهبری میخواهم اشاره ای بکنم. تاکنون چند بار از طرف دوستداران کانال جدید که مدت زیادی از آشنائی آنان با حزب نمیگذرد، در متن بحث تحولات آینده ایران سوال شده که "رهبر کیست؟" و منظور سوال این دوستان در مواردی این بود که چه شخصی رهبر است. بالاتر به حزب بعنوان رهبر مبارزه مردم و بعنوان رهبر پیروزی رساندن انقلاب کارگری اشاره کردم. در واقع تاریخ تاکنونی این حزب همراه با صف بزرگی از رهبران و شخصیتهای کمونیست سرشناس ماتریالی بدست داده است که حزب رهبری حرکت تاریخساز پیروزی کمونیسم را با موفقیت به سرانجام برساند. و اینجا میخواهم در پاسخ به سوال آن دوستدار کانال جدید به نقش حمید تقوایی تاکید کنم. نقش حمید تقوایی به موقعیت تشکیلاتی او بعنوان لیدر حزب محدود نیست بلکه او بلحاظ سیاسی نیز رهبر حزب است و مکان سیاسی ویژه ای در حزب دارد. پیشرفتهای بزرگ حزب در سالهای اخیر مدیون رهبری حمید تقوایی و نقش وی در پراتیک خط کمونیسم کارگری منصور حکمت است، و این، جایگاه او را بعنوان رهبر پرشور مبارزه برای برقراری سوسیالیسم در ایران به اثبات رسانده است.

ادامه دارد

# به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

## تعطیلی نساجی کردستان و اخراج دسته جمعی کارگران

بنابه گزارشات رسیده، هیئت مدیره شرکت نساجی کردستان، با نصب اطلاعیه‌ای در تاریخ ۱۴ مردادماه ۱۳۸۷ به درب این نساجی، کارگران این شرکت را دسته جمعی اخراج کرده است. در این اطلاعیه آمده است که از تاریخ اول شهریور ماه نساجی کردستان تعطیل خواهد شد و قرارداد هیچیک از کارگران، اعم از قراردادی و دائم تمدید نخواهد شد. این اطلاعیه هیچگونه اشاره‌ای به آینده این شرکت، اینکه در بخش دیگری از صنعت مشغول تولید خواهد بود یا نه، اشاره‌ای نمی‌کند. اما آنچه که در این اطلاعیه مشهود است، هیئت مدیره با گرو گرفتن کارگران و با تلاش برای ایجاد ناامنی، آنها را دعوت به بازخرید کرده است و می‌خواهد زیرجلکی از شر کارگران دائم خلاص شود. مدیریتی که حتی در این اطلاعیه هم اعتراف کرده دستمزد و مزایای ماه‌های خرداد، تیر و مرداد این کارگران را نپرداخته، امروز ظاهراً به فکر آنها افتاده که "از فرصت مناسب استفاده کنند و خود را بازخرید کنند". کارگران فریب چنین توطئه‌هایی نمی‌خورند. کارگران نساجی کردستان، همراه با کارگران نساجی‌های شاهو و پرریس، دیگر نساجی‌های شهر سنندج، مبارزات طولانی و پیروزمندی را بر علیه عدم پرداخت دستمزدها و بر علیه طرح مدیریت برای قراردادی کردن شغل آنها، به پیش بردند.

از نظر کارگران "عدم توانایی سرپا نگه داشتن روند عادی تولید"، "عدم توانایی دریافت کمک و مساعدت از بانک و مؤسسات مالی"، "عدم توانایی تأمین نقدینگی برای تهیه مواد اولیه" و غیره بهانه‌هایی بیش نیستند. مدیریتی که زیر فشار اعتراضات

آزادی، برابری، حکومت کارگری  
مرگ بر جمهوری اسلامی  
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

کمیته کردستان

حزب کمونیست کارگری ایران  
۶ ژوئیه ۲۰۰۸، ۱۶ مرداد ۱۳۸۷



## کمونیسم کارگری

اما، نه فقط آزادی و برابری، بلکه حتی آرمان محو طبقات و استثمار، ویژه کمونیسم کارگری نیست. این آرمان‌ها پرچم جنبش‌های مختلف طبقات و اقشار محروم در جوامع پیشین هم بوده اند. آنچه کمونیسم کارگری را بعنوان یک جنبش و یک آرمان اجتماعی از تلاش‌های آزادیخواهانه و مساوات طلبانه پیشین متمایز میکند، اینست که چه از نظر عملی و اجتماعی و چه از نظر آرمانی و فکری در برابر سرمایه داری، یعنی متاخرترین و مدرن‌ترین نظام طبقاتی، قد علم میکند.

کمونیسم کارگری جنبش پرولتاریا است، طبقه‌ای که خود محصول عروج سرمایه داری و تولید مدرن صنعتی است. طبقه‌ای که از فروش نیروی کار خویش زندگی میکند و جز نیروی کار خویش وسیله‌ای برای تأمین معاش خویش ندارد. پرولتاریا برده نیست، رعیت نیست، استادکار و صنعتگر نیست، نه تحت تملک و انقیاد کسی است و نه خود مالک وسائل کار خویش است. هم آزاد و هم ناگزیر است تا نیروی کار خویش را در بازار به سرمایه بفروشد. پرولتاریا، محصول سرمایه داری و صنعت مدرن و طبقه استثمار شونده اصلی در این نظام است.

اصول اعتقادی و آرمان اجتماعی کمونیسم کارگری بر نقد ارکان اقتصادی و اجتماعی و فکری نظام سرمایه داری متکی است. نقدی از زاویه طبقه کارگر مزدی در این جامعه و به این اعتبار حقیقی و انقلابی. تلقی زحمتکشان و تولید کنندگان غیر پرولتر از آزادی و برابری و سعادت بشر، چه امروز و چه در جوامع پیشین، به ناگزیر انعکاسی از مناسبات اجتماعی حاکم بر جامعه و موقعیت خود آنان در رابطه با تولید و مالکیت است. تلقی برده از آزادی بناچار چندان از لغو برده داری فراتر نمی‌رفت و تجسم رعیت یا صنعتگر خرده پای شهری از برابری چیزی بیش از برابری در حق مالکیت نمیتوانست باشد. اما، با ظهور پرولتاریا بعنوان توده عظیم تولید کنندگان فارغ از هر نوع مالکیت و وسائل تولید، طبقه‌ای که اسارت و استثمار اقتصادی اش، دقیقاً بر آزادی حقوقی اش بنا شده است، افق آزادیخواهی و برابری طلبی از اساس دگرگون شد. پرولتاریا نمیتواند آزاد شود بی آنکه جامعه بطور کلی از مالکیت خصوصی بر وسائل تولید و تقسیم طبقاتی رها شود. برابری امری نه صرفاً حقوقی، بلکه همچنین در اساس اقتصادی - اجتماعی است.

انتقاد پرولتری به سرمایه داری و جهان‌نگری و مبارزه سیاسی آزادیخواهانه و رهاییبخش کارگری که قریب دو قرن قبل در شکل مشخص کمونیسم کارگری ظهور کرد، با مارکسیسم به انسجام و شفافیت و قدرت نظری عظیمی دست یافت. جنبش کمونیسم کارگری در تمام طول تاریخ خویش با مارکسیسم و نقد مارکسیستی به جامعه سرمایه داری پیوندی عمیق و ناگسستنی داشته است.

کمونیسم کارگری جنبشی اجتماعی است که با ظهور سرمایه داری و طبقه کارگر مزدی شکل گرفت و عام‌ترین و عمیق‌ترین شکل انتقاد و اعتراض طبقه کارگر به نظام سرمایه داری و مصائب آن را نمایندگی میکند. اهداف و برنامه عملی این جنبش بر نقد مارکسیستی بنیادهای جامعه سرمایه داری معاصر، بعنوان آخرین، مدرن‌ترین و پیشرفته‌ترین شکل جامعه طبقاتی، مبتنی است.

کمونیسم کارگری جنبشی جدا از کل طبقه کارگر نیست و منافع جدا از منافع کل طبقه کارگر دنبال نمیکند. تفاوت جنبش کمونیسم کارگری با سایر جنبشها و احزاب کارگری در اینست که اولاً، در مبارزه طبقاتی در هر کشور، پرچم وحدت و منافع مشترک کارگران سراسر جهان را بر میافرازد و ثانیاً، در مراحل و جبهه‌های مختلف مبارزه طبقه کارگر، مصالح کل جنبش طبقه کارگر را نمایندگی میکند. کمونیسم کارگری لاجرم جنبش پیشروترین بخش طبقه کارگر است که شرایط و ملزومات پیروزی و هدف نهایی مبارزه طبقاتی را بدرستی میشناسد و میکوشد بخش‌های مختلف طبقه کارگر را به میدان بکشد.

از یک دنیای بهتر، برنامه حزب کمونیست کارگری

## کمپین وسیع اسپانسور گیری برای تامین مخارج "کانال جدید" به صف حامیان تریبون اعتراض مردم پیوندید!

مردم شریف و آزادیخواه!

همانطور که قبلا و طی "گزارش به مردم" به اطلاع رسانده ایم "کانال جدید" برای ادامه کار خود به کمک فوری شما نیاز دارد. حزب کمونیست کارگری کمپین اسپانسورگیری برای تامین مخارج "کانال جدید" را بطور وسیع و همه جانبه در دستور قرار داده است. پاسخ های گرم بینندگان در داخل و خارج کشور در هفته های اخیر، تا همینجا ما را در تامین مخارج کانال جدید بسیار امیدوار کرده است.

ما از همه شما در داخل و خارج کشور دعوت میکنیم که بنا به توان و امکانات خود به این کمپین پیوندید. هر اندازه که میتوانید بطور ماهانه اسپانسور کانال جدید شوید. دوستان و آشنایان خود را دعوت کنید تا به صف حامیان این تریبون اعتراض مردم پیوندند. کانال جدید اکنون به سکویی برای ایجاد وسیع ترین اتحاد بین

کارگران و مردم شریف تبدیل شده است. این تلویزیون نقطه امید همه محرومان و ابزار بسیار موثری است برای متشکل کردن مردم و سرنگون کردن جمهوری اسلامی. با متعهد شدن در تامین گوشه ای از مخارج کانال جدید به صف عظیم و پرشوری که کانال جدید پیرامون خود ایجاد کرده است پیوندید.

ما هر هفته گزارش پیشرفت کار را با ذکر مبالغ متعهد شده اسپانسورها به اطلاع عموم میرسانیم. جهت تسهیل پیوستن شما به این صف میتوانید علاوه بر کانال های معمول تماس با حزب و تلویزیون کانال جدید با افراد زیر و از طریق تلفن ها و آدرسهای زیر تماس بگیرید:

اگر از آمریکای شمالی تماس میگیرید:  
شرق: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷  
fateh\_bahrami@yahoo.com  
غرب: مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

اگر از اروپا و سایر کشورها تماس میگیرید:  
سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱  
siamak@working.se  
حسن صالحی: ۰۰۴۶۷۰۳۱۷۱۱۰۲

منتظر تماس و کمک های شما هستیم و پیشاپیش از حمایت های شما سپاسگزار می کنیم.

اصغر کریمی

از طرف هیات دبیران حزب کمونیست کارگری  
۱۷ مرداد ۱۳۸۷، ۷ اوت ۲۰۰۸

اگر از ایران تماس میگیرید:

شهلا دانشفر: ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸  
Shahla\_daneshfar@yahoo.com  
اصغر کریمی: ۰۰۴۴۷۷۸۳۲۷۷۰۳۶

### اعتصاب کارکنان بیمارستان نیروی هوایی ارتش اعتراض کارگران نازنخ و فرنخ قزوین به دستمزدهای پرداخت نشده

بیمارستان نیروی هوایی ارتش و کارگران نازنخ و فرنخ قزوین قاطعانه حمایت می کند و همه کارگران و مردم آزاده را نیز به حمایت بی دریغ از اعتصاب و اعتراض آنها فرامی خواند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری  
مرگ بر جمهوری اسلامی  
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۶ اوت ۲۰۰۸، ۱۶ مردادماه  
۱۳۸۷

زده اند و خواهان پرداخت فوری دستمزد و مزایای خود شده اند. کارگران این بار با بستن جاده بین المللی قزوین و اجتماع در کنار شرکت خواهان دریافت کلیه مطالبات خود شدند.

حزب کمونیست کارگری از  
اعتراض کارکنان بخش نظافت

بنابه گزارش دیگری که روز ۱۳ مردادماه منتشر شده است، کارگران مجتمع تولیدی نازنخ و فرنخ قزوین در اعتراض به عدم دریافت ۳ ماه حقوق خود در مقابل کارخانه دست به تجمع اعتراضی زدند. این کارگران طی سه ماه گذشته تاکنون بارها به شیوه های مختلفی از جمله تحصن و اعتصاب دست به اعتراض

نیز نیستند. کارگران بعلاوه به فشار زیاد کار، تورم و گرانی بیش از حد و عدم توجه مسئولان به مشکلات خود اعتراض دارند. کارگران میگویند امروز سر کار نرفتیم تا حداقل مسئولان به چشم خود ببینند که وقتی ما بنشینیم کثافت از سر و کول بیمارستان بالا می رود.

بنابه گزارشات رسیده کارکنان بخش نظافت بیمارستان نیروی هوایی ارتش، روز ۱۵ مردادماه در اعتراض به کم بودن حقوق و مزایای خود، اعتصاب کرده و بر سر کار حاضر نشدند. کارگران گفته اند که قراردادهایشان موقت است، دستمزدشان با اضافه کاری ماهیانه ۲۰۰ هزار تومان است و دارای بیمه

### اعتصاب کارگران شرکت مخابرات استان کردستان

شاغل در شرکتهای پیمانکاری مخابرات کردستان دست به اعتصاب زدند. کارگران التیماتوم دادند که تا بازگشت کارگران

بنابه اخبار منتشر شده، کارگران شرکت مخابرات استان کردستان در سنندج، روز ۱۴ مردادماه در اعتراض به اخراج ۴ نفر از کارگران

استان کردستان حمایت می کند و همه کارگران این شرکت را به همبستگی با این کارگران برای بازگرداندن همکاران اخراجی شان فرا می خواند. حزب استفاده از اعتصاب شکن توسط کارفرمایان را محکوم می کند و از همه کارگران می خواهد که به دام تفرقه کارفرما

اخراجی، به اعتصاب خود ادامه خواهند داد. گفته شده است که مسئولان شرکتهای پیمانکاری در صددند تعدادی اعتصاب شکن جایگزین کارگران اعتصابی بکنند. حزب کمونیست کارگری از اعتصاب کارگران شرکت مخابرات

نیفتند.  
آزادی، برابری، حکومت کارگری  
مرگ بر جمهوری اسلامی  
زنده باد جمهوری سوسیالیستی  
کمیته کردستان  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۶ ژوئیه ۲۰۰۸، ۱۶ مرداد ۱۳۸۷

**مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**